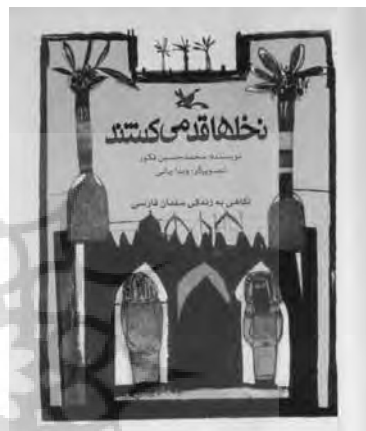


از قد برافراشتن روزبه تا در خود چرخیدن تصویر

شهناز آزادی



عنوان کتاب: نخلها قد می‌کشند
نویسنده: محمدحسین فکور
تصویرگر: ویدا زمانی
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: ۱۶۰ صفحه
بها: ۱۵۰۰ تومان

معرفی کتاب

این کتاب، زندگی‌نامه داستانی سلمان فارسی، از نوجوانی تا ایمان آوردن به پیامبر اسلام در مدینه است و در دوازده فصل تنظیم یافته است. همه نوشته‌های کتاب، در داخل کادری نقاشی شده قرار گرفته‌اند. کتاب دارای تصویرهایی انتزاعی به رنگ‌های سیاه، سفید و خاکستری است بجز جلد که مایه‌ای از رنگ سرخ نیز دارد. تقریباً به ازای هر دو صفحه کتاب، یک تصویر دیده می‌شود.

کتاب حاضر تقدیم شده است «به حضرت سلمان محمدی که به رهجویان نور و حکمت و حقیقت، صبر و تلاش و پایداری آموخته است.»

این نوشتار با طرح و پاسخ یک پرسش اساسی، به ارزیابی تصویرگری‌های این کتاب می‌پردازد. اشارات و نقدهایی نیز به متن کتاب خواهد داشت.

آیا کتاب نوجوان نیاز به تصویر دارد؟

کتابی که برای نوجوانان نوشته می‌شود، نیاز به تصویر دارد یا خیر؟ اگر خیر، چرا؟ اگر آری، چگونه؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است به بررسی ویژگی‌های گروه سنی مخاطب «ه» بپردازیم. این گروه سنی، مخاطبان نوجوان را در بر می‌گیرد که سال‌های میان ۱۱-۱۲ تا ۱۴-۱۵ سالگی را طی می‌کنند. در این دوره، نوجوان در مرحله‌ای از رشد به سر می‌برد که اصطلاحاً در روان‌شناسی رشد، به آن «مرحله عملکردهای صوری (قیاسی) (formal operation phase)» می‌گویند. نوجوان در این سنین قادر است کنش‌هایی روی مفاهیم ذهنی یا اشیایی که نمی‌بیند، انجام دهد. تفکر انتزاعی (abstract thinking) در این مرحله از رشد پیش می‌آید؛ فعالیتی که به استدلال بزرگسالان منتهی می‌شود و به نوجوان این امکان را می‌بخشد که به فعالیت‌های ذهنی روی مفاهیم درک‌شده پیشین بپردازد.

توضیح این که: تفکر یا اندیشه عبارت است از سامان‌دهی و پردازش منطقی داده‌ها، به منظور رسیدن به نتیجه‌ای منطقی. بر این اساس، تفکر نیازمند دو چیز است:

۱. اطلاعات و دانسته‌ها؛

۲. قدرت ساماندهی و پردازش منطقی آن‌ها.

مخاطب گروه سنی «ه» در این سال‌ها، چیزی بیش از ۱۰ سال اطلاعات و تجربه اندوخته است. او در گذار از مرحله شهودی و عینی، به این دوران رسیده است. بخشی از رشد جسمی او نیز که رشد مغزی اوست، امکان پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها را به او می‌دهد و او در این سنین پا به مرحله‌ای می‌گذارد که می‌تواند همچون یک بزرگسال بیندیشد و تخیل کند. یادگیری و شناخت او محدود به واقعیات عینی و محسوس نمی‌شود، بلکه او می‌تواند به صورت انتزاعی و صوری نیز بیندیشد. حتی قادر است نظریاتی درباره واقعیات پیرامون خود خلق کند. بنابراین، به تعداد نوجوانانی که متن را مورد مطالعه قرار می‌دهند و بر حسب نوع رشد و شکل‌پذیری شخصیت هر یک از آن‌ها، می‌توانیم تصویری در ذهن هر یک برای مفاهیم درک‌شده بیابیم.

بر این اساس، مرحله نوجوانی، دورانی است که نوجوان قادر است داده‌های نهادینه‌شده را به چالش بکشد. او به دنبال کشف قوانین است. از این رو، دست به آزمون و خطا می‌زند و پس از کشف روابط علت و معلولی بین عناصر موجود و در نتیجه کشف دنیای پیرامون، به تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌پردازد و به قیاس منطقی می‌نشیند. او به دنبال مبنایی استوار است تا دریافته‌های خویش را با آن محک زند. فراتر از این‌ها و در نتیجه آن چه گفته شد، در این دوران، نوجوان به دنبال هویت خویش است. او آرمان‌گرا نیز هست و می‌خواهد تغییر ایجاد کند. به همین دلیل، به دنبال راه‌هایی برای خدمت و ایجاد تغییر می‌گردد. به دلیل ویژگی اخلاقانه خود نیز آینده و آرمان‌های ذهنی خود را تصور می‌کند و در رد نظر مخالف نیز پا می‌فشارد و می‌کوشد استدلال لازم را هم بیاورد.

برای انسجام و جهت‌دهی این باور، نیاز به مطالعه در نوجوان بارور می‌شود. دستاورد این دوران، تفکر صوری - قیاسی است که تا پایان عمر با وی می‌ماند و به او کمک می‌کند که از منطق صوری یا انتزاعی بهره بگیرد و با استدلال عقلی درست در جهت بارورسازی دانش زندگی پیش رود و دوران رشد به سوی کمال را به سهولت بگذراند.

یکی از دلایل اصلی که بسیاری از نوجوانان را به خواندن کتاب ترغیب می‌کند، نیاز به کسب اطلاعات جدید و دست‌یابی به واقعیتهای پنهان از نظر آن‌هاست. بنابراین درک کتاب از روی مفاهیم نهفته در آن، چه به صورت متن و چه به صورت تصویر، برای آن‌ها حایز اهمیت است.

خلاصه آن چه گفته شد، دو جمله بیش نیست:

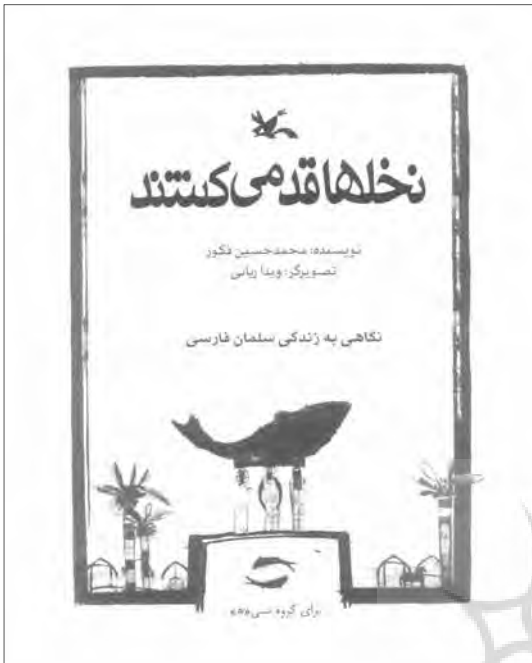
۱. ذهن نوجوان تصویرساز است.

۲. نوجوان نیازمند اطلاعات دقیق است.

نتیجه را به عنوان راهبردی برای تصویرگری کتاب نوجوان، می‌توان در یکی از نوشته‌های نادر ابراهیمی دید. او می‌گوید:

«ما در این کتاب، با احتیاط فراوان و کاملاً باریک‌شده، از کنار مرحله نوجوانی رد می‌شویم تا دست و پایمان به چیزی نخورد و چیزی فرو نریزد و نشکند و حتی جابه‌جا نشود و نلرزد؛ چرا که در گذشته، بارها - به دلایل - گفته‌ایم که مرحله نوجوانی را - همچون مرحله جوانی - باید که به کلی از مرحله کودکی جدا کرد و از هر نظر هم جداگانه و مستقلاً مورد بحث و تحلیل و تحقیق قرار داد؛ چرا که میان دوران کودکی و نوجوانی، مشترکات،

آن چنان کم است که می‌توان گفت مشترکات میان کودکی و کهنسالی، به مراتب بیش از مشترکات بین کودکی و نوجوانی است، تا حدی که می‌توان تعریف دوران نوجوانی را از همین «عدم مشترکات» استخراج کرد و گفت: دوران نوجوانی، دورانی است که بلافاصله بعد از کودکی می‌آید و ویژگی اساسی آن این است که هیچ وجه اشتراکی با کودکی از یک سو و جوانی از سوی دیگر ندارد.»



و نتیجه می‌گیرد که:

«الف - کتاب‌های داستانی یا به طور کلی ادبی خاص نوجوانان، علی‌الاصول، تصویر نمی‌خواهد. از آغاز دوران نوجوانی تا ابتدای جوانی، تصویر، معمولاً آزادی‌های ذهنی نوجوانان را محدود می‌کند و یا مسدود. ...»

ب - در مورد کتاب‌های علمی، البته تصویر نقش خاصی دارد که در گذشته به آن اشاره کرده‌ایم و حضور

انواع تصویرها یا عکس‌های هدایت‌کننده و روشنگر، بلامانع است و مقبول. ...
پ - اگر در مواردی به نظر می‌رسد که تصویر، ضرورت دارد، مسلماً نه در هر صفحه و نه در هر ده صفحه، بلکه در طول یک داستان مثلاً صد صفحه‌ای، چهار یا پنج تصویر کافی است.

ت - تصویرها، البته سیاه و سفید است، و یا تک‌رنگ، بر اساس نیاز موضوع، معمولاً و عموماً این تصویرها را سیاه‌قلم یا هاشوری کار می‌کنند؛ با بافت بسیار ریز، با پیچیدگی‌های فراوان، با زوایای خاص.

ث - از عکس و عکاسی هنری، برای ارسال پیام‌های تصویری، گهگاه استفاده می‌شود.

ج - اصول و قواعد زیبایی‌شناسی، تا حد ممکن، مد نظر قرار می‌گیرد.

چ - هیچ عارضه‌ای دال بر کودک‌پنداری یا کوچک‌پنداری مخاطب، در تصویر بروز نمی‌کند.»

(نادر ابراهیمی، مصورسازی کتاب کودکان، چاپ اول، انتشارات آگاه، ۱۳۶۷، صص

۹۵ - ۹۸)

سیر سلمان و سیر تصویر

بر پایه آن چه پیش از این آمد، تصویرگری‌های کتاب «نخل‌ها قد می‌کشند» را در

چند زمینه بررسی می‌کنیم:

الف. نیاز به تصویر

کتاب «نخل‌ها قد می‌کشند»، اثری از نوع زندگی‌نامه - داستان است. این گونه آثار به لحاظ بخش زندگی‌نامه‌ای خود زیرمجموعه‌ای از تاریخ به شمار می‌آیند و تاریخ، علم است. بنابراین، چنان که درباره کتاب‌های علمی گفته شد، می‌تواند و بهتر است که دارای تصویر باشند. این تصاویر بی‌گمان به جای آن که آزادی ذهنی مخاطب نوجوان را محدود یا مسدود سازند، می‌توانند به افزایش آگاهی‌های آنان از موضوع متن و تکمیل اطلاعات متن کمکی شایان کنند. تصویرهای این کتاب از آن جهت که خواننده با متنی علمی - تاریخی روبه روست، توجیه پذیرند.

ب. دقت تصاویر

به خاطر سپردن و به یاد آوردن هر نوشته یا تصویر، وابسته به نحوه ارائه متن نوشتاری یا تصویری و شمار پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که در ذهن مخاطب پدید آورده است. روزبه کیست؟ اهمیت سفر روزبه در چیست؟ محل گذار وی از کجا به کجاهاست؟ افرادی که در طول سفر ملاقات می‌کند، کیستند؟ و پرسش‌های بسیار دیگر. ...

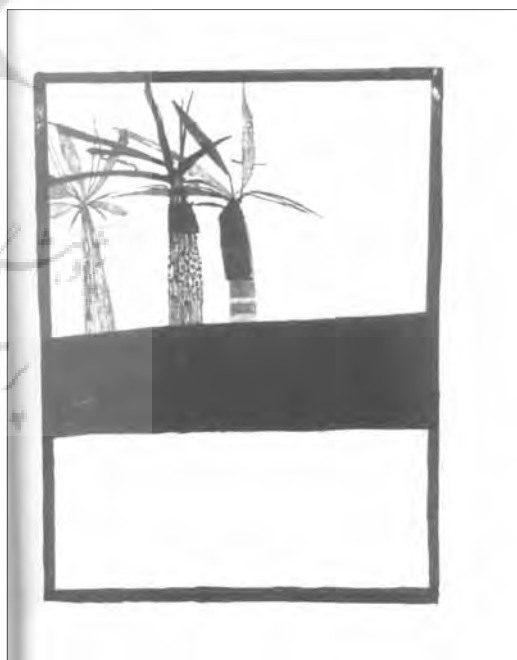
اساساً در بررسی‌های تاریخی، انسان و جغرافیای محل سکونت وی جزئی لاینفک و دارای اهمیت است. در برهه‌های تاریخی، آن چه انسان را وادار به ترک محل سکونت

می‌کند، قابل بررسی است. چرا روزبه با چنان پشتوانه فرهنگی، از سرزمین مادری خویش، با تمام علاقه‌اش در نوجوانی کنده می‌شود و رنج سال‌ها سفر را به دوش می‌کشد و سرانجام به زمینی پا می‌گذارد که بخشی از صحرای خشک عربستان است؛ بدون حتی پیشینه معماری. تنها اثر تاریخی - معماری برجسته آن خانه کعبه است. حتی به بخش‌های دیگر سرزمین عربستان که آبادتر و دارای پیشینه تاریخی و آثار تمدن‌های باستانی‌اند نیز کاری ندارد. هنر برجسته



کاروان از شهر نور می‌شود. روزبه که گم خویش را کنار می‌گذرد. صومعه مسیحیان که پیدا می‌شود. روزبه راه کج می‌کند. امروز روز عبادت مسیحی‌ها نیست. صومعه سوت و گور است و فقط راهب پیر در آن است. روزبه نزدیک در می‌رود. صدایش را صدای می‌کند و فریاد می‌زند: «شهادت می‌دهم که خدایین جز خداوند یگانه نیست. شهادت می‌دهم که عیسی پیامبر خداست. شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده بزرگ خداست...» صدای می‌رود و برمی‌گردد و در بیابان می‌بیخند. روزبه نور و برش را نگاه می‌کند. دنباله کاروان نیز دارد در افاق محو می‌شود. به یاد روزی می‌افتد که با اسب از جلو این صومعه گذشته بود. عبادت مسیحی‌ها، دعا و وردشان و همین شهادت دادنی که او حفظ کرده بود. بندش گرم می‌شود و در دل شوق می‌کند. خویش را در جنت قدمی آرزوی بزرگش می‌بیند. قصد می‌کند دوباره آن کلمات را فریاد کند لب باز می‌کند و می‌گوید: «شهادت...»

۴۰



۵۰

آن‌ها شعر و موسیقی است که آن هم در اوج شکوفایی خویش، چیزی برای پابرهنگان خطهٔ عرب نداشته است. آن‌ها نیز همانند دیگر انسان‌های به اسارت کشیده‌شده توسط اربابان زور، سالیانی در انتظار منجی چشم بر آسمان داشته‌اند. آیا تنها پیدایش یک پرسش ساده و میل به سفر است که چنین هجرتی را رقم می‌زند؟ از نوجوانی با چنین تربیت کاملی بعید به نظر می‌رسد. گردشگری که برای وی مشکلی نبود. آیا تنها به دنبال عرفانی است که او را به خلسه برساند؟ اگر چنین است، چرا همواره خلوت خود را بر هم می‌زند و نه تنها آرامش خود که آرامش دیگران را در هم می‌ریزد و با بیان واقعیت‌هایی به همه می‌گوید که این راه که با آرامش آن را طی می‌کنند، به ناکجاآباد می‌رود. آن گاه در حد دانسته‌های خود، مسیر شناخت را به دیگران می‌شناساند.

آیا و آیاهای دیگر ...

پرسش‌ها و پاسخ‌ها از انگیزه‌ای شگفت در حرکت روزبه حکایت می‌کنند. کتاب به معرفی یکی از نجای ایرانی می‌پردازد که از خاندانی اصیل برخاسته است و هویت و فرهنگ و تمدن ایرانی با اوست. اما این دلیل نمی‌شود که اهمیت مکان زندگی وی را در تصویر ببینیم یا کمرنگ ببینیم. مخاطب نیز نیازی به دیدن شمایل این نجیب‌زاده ندارد؛ خود در ذهن تصویر می‌کند و می‌سازد. اما می‌ماند ایران. ایران سرزمینی با پیشینه‌ای کهن در هنر و معماری در پهنه‌ای وسیع به لحاظ جغرافیایی است، اما دیری است درگیر بسیاری جنگ‌های داخلی و خارجی شده است. هر روز بخشی از کشور از دست می‌رود و بازپس گرفته می‌شود. کشور، وضعیتی رو به ثبات هم ندارد. گاه مورد تاخت و تاز اقوام بیگانه است و گاه به سرکوب قیام‌های داخلی نظیر جنبش‌های مانی و مزدک می‌پردازد. سرداران لشگرهایش نواحی تحت نفوذ خود را تیول خویش می‌دانند و سر به شورش برداشته‌اند. وضعیتی سخت برای زیست اقوامی از نژاد آریایی پدید آمده است. روزبه نوجوان در چنین سرزمین و با چنان پشتوانه و با چنین وضعیتی است که به دنبال منجی‌ای می‌گردد که انسان را از چنین موقعیتی برهاند. حضور وی در کلیسا و شنیدن بشارت آمدن آن منجی الهی و متفاوت از باور لوث شدهٔ قومی خویش، دیدن و خواندن مخفیانهٔ نامه‌ای نقش‌یافته بر چرم در کوزه‌ای در بالای ایوان خانهٔ پدر و لب دوختن بزرگ‌ترها از حقیقتی بزرگ و این که می‌دانند و لب دوخته‌اند، دردی است بزرگ‌تر! قطعاً پدر وی بنا بر قرائن تاریخی، یک فرد معمولی نیست؛ انسانی است که تاریخ را به‌خوبی می‌داند و خوب به حقیقت واقف است؛ چرا که آن را از بین نبرده است. روزبه می‌داند که «آیین مزدایی ساسانی، در انتظار سلامت و صلح جهانی و سعادت ازلی» است «که عبارت از زیستن در نور خداست.» (آندره گدار، هنر ایران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ترجمهٔ بهروز حبیبی، ۱۳۵۸، ص ۳۰۸) روزبه می‌اندیشد که چگونه عالم به چنین هدفی خواهد رسید. وقتی خط سیر دین از پادشاهانی عبور می‌کند که خود را درگیر قوانین دست‌وپاگیر مذهبی آلوده به فریب کرده‌اند، روزبه راهی برای اصلاح بینش دینی در این اوضاع نمی‌بیند، چرا که حقیقت در کوزه است! در نتیجه آگاهی از این واقعیت، وی را از آن شرایط باتالاقی و آن چرخهٔ بی‌بازگشت می‌گسلد و وادار به هجرت می‌سازد؛ هجرت از هر آن چه زمانی برای وی افتخار محسوب می‌شد. او به دنبال یافتن هویت برای خود و بخشیدن آن به دیگر انسان‌ها رخت سفر می‌پوشد. روزبه دست به هجرتی در اعتراض به وضع موجود و یافتن راه‌حل مطلوب زده است.

اما راه حل در کجاست؟ امپراتوری رقیب؟ اما نه تنها امپراتوری ایران که امپراتوری روم نیز دستخوش سقوطی است که در این سیر به سوی ابتدال و هرج و مرج، انسان‌های بی‌گناهی را با خود به زیر می‌کشد و له می‌کند. ضعف این امپراتوری تا آن‌جاست که حتی از ایران پیمان می‌گیرد که با گت‌های وحشی اروپا، در جهت خلاف بیژانس نیامیزد و لشکر نظامی برای آن‌ها نفرستد! پس انسانی باید و منجی‌ای که قبلاً بشارت آن از سوی خداوند به همهٔ زمینیان در بند اسارت، داده شده است. انسانی که هر کس خویش را شناخت، به دیدنش قد می‌کشد و سرزمین ایران، سرزمین انقلاب‌های سرکوب‌شده با تهمت کفر، این افتخار را خواهد یافت که «روزبه» اش از والاترین مؤمنان، یار پیامبر آخرالزمان و در زمرهٔ خاندان وی خواهد شد.

حال اگر از روی همین کتاب بخواهیم روایتی تصویری از قهرمان داستان، خاستگاه او، مسیر حرکت و مقصد او داشته باشیم، چه خواهیم کرد؟ پاسخ به این سؤال، مسیر تفکر ما را در تصویرسازی معین خواهد ساخت.

کتاب‌هایی از این نوع (زندگی‌نامه-داستان)، به بیان شرح حال انسانی در بستری تاریخی می‌پردازند و حاوی نوشته‌هایی هستند که بر باورپذیری پافشاری می‌کنند. بنابراین بنیان تصاویر این کتاب‌ها باید بر اساس تصاویری همگون با شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اقلیمی قرار گیرد که شخصیت اصلی داستان در آن به سر می‌برد؛ هر چند مکان‌ها در حاشیه قرار گرفته باشند زیرا نیاز نوجوان، او را به درست دیدن عادت داده است. او تجزیه و تحلیل می‌کند و چون دامنه مطالعه‌اش هر روز رو به فزونی است، اطلاعات غلط تصویری را واپس می‌زند. نوجوان تنها متن را بر صفحه جدا از تصویر نمی‌بیند. او کلیت یک موضوع را از طریق دیدن به حافظه می‌سپارد تا به بررسی آن بیندیشد. آن گاه در بررسی و بازبینی، هر آن چه را در ذهن خود اضافی ببیند، پس از معاینهٔ دقیق، همچون یک جراح

در این دوره،

نوجوان

در مرحله‌ای

از رشد

به سر می‌برد

که اصطلاحاً

در روان‌شناسی

رشد، به آن

«مرحلهٔ عملکردهای

صوری (قیاسی)

(formal operation

phase)»

می‌گویند.

نوجوان

در این سنین

قادر است

کنش‌هایی

روی مفاهیم ذهنی

یا اشیایی

که نمی‌بیند،

انجام دهد

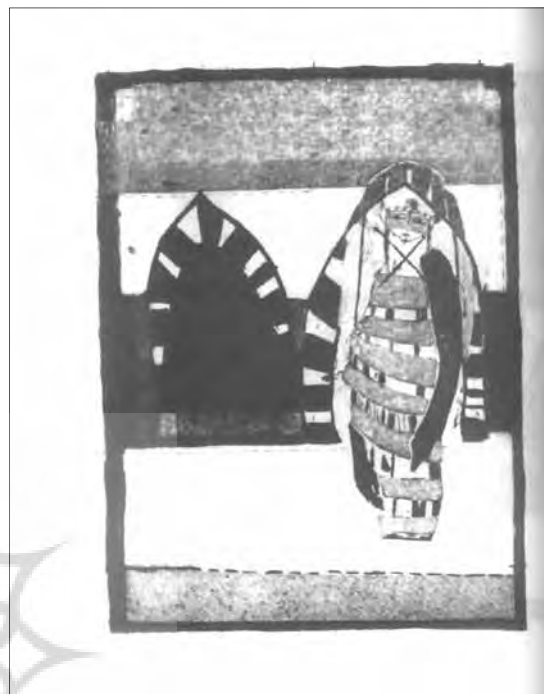
جدا می‌کند و به دور می‌اندازد. یکی از دلایلی که نوجوان مخاطب یک کتاب به تصاویر آن اهمیت نمی‌دهد، برداشت ناقص یا غلط دیدن موضوع در هنگام تصویرگری است.

سزاوار چنین بود که در کتاب «نخل‌ها قد می‌کشند» و در پیرنگ آن، تصاویری همساز و همگون با حضور روزبه در ایران و سپس مسیر تاریخی روزبه-سلمان داشته باشیم؛ حضوری واقع‌گرا با نمادهای معماری ساسانی، چه در خانه‌ها و کوچه‌ها و خیابان‌ها با محیط زیست و سرو ایران، و چه در آتشگاه زرتشتی و کلیسای ایرانی. آن گاه گذار از دجله و بین‌النهرین و رسیدن به شام که بخشی از قلمرو حکومت یونان باستان، با معماری خاص آن است و آن گاه موصل که پیشتر بخشی از ایران بوده و اینک تحت نفوذ قیصر است، و عموریه که در گستره فرمانروایی روم قرار دارد. سپس حرکت به حجاز با ویژگی‌های خاص جغرافیایی، اقلیمی و مردم‌شناختی آن. نوجوان نه تنها چنین تصاویری را پس نخواهد زد، بلکه مشتاقانه آن را بخشی از متن خواهد دید، آن را واکاوی خواهد کرد و حتی آن‌جا که لازم باشد، آن را نقد نیز خواهد کرد و کم و زیاد آن را با بهره‌گیری از بایگانی ذهنی خویش کامل خواهد ساخت. فراموش نکنیم که نوجوان، هنرمندی است که خود می‌تواند تصاویری در ذهن بیافریند؛ هر چند ما آن را هرگز نخواهیم دید.

اما طاقی‌های موجود در این کتاب، هویتی ناشناخته دارند و نوعی القای بی‌هویتی حتی نسبت به شخصیت داستان به مخاطب می‌کنند. در حالی که طاقی عصر ساسانی، در نزد جهانیان کاملاً شناخته شده است و هر غیر ایرانی که کتاب را به دست می‌گیرد، باید بتواند تشخیص دهد که موضوع کتاب چیست و در کدام رهگذر عبور دارد. از نمادهای تصویری برگرفته از اقلیم ایران، مانند درخت سرو که نمادی ایرانی است، در این کتاب اثری نمی‌بینیم. اشکال هندسی موزون ایرانی، در برابر اشکال نرم تمدن روم قرار داده نشده‌اند. تفاوت حضور در کلیسای ایرانی با هویت معماری ایرانی و با مسیحیان نسطوری - ایرانی، با کلیسای مسیحی تحت سیطره روم با راهبانی از نژادهای هند و اروپایی و سامی، مشهود نیست. تصاویر مبهم و انتزاعی کتاب، در کنار عدم تناسب اغلب تصاویر با فضای متن، فلسفه وجودی تصویر را به چالش می‌کشد.

روزبه موجودی خیالی نیست و سفری جهانگردانه و مبهم به دنیای ناشناخته‌های پر از ابهام نمی‌کند که چنین تصاویری مبهم از سفری مبهم با انسان‌های مبهم و موجودات مبهم داشته باشیم. به عکس، در زندگی‌نامه‌ها از آن رو که بر اساس واقعیت در قالب داستان تنظیم یافته‌اند، لازم می‌نماید به همان اندازه که متن به پشتوانه پژوهش متکی است، تصویر نیز از پشتوانه‌های پژوهشی برخوردار باشد. تصاویر ناقص، نامفهوم و گمراه‌کننده که در پی ساده‌سازی پدید آمده‌اند، متناسب مخاطب نوجوان نیستند و اطلاعاتی اشتباه و نادرست به وی خواهند داد. تحلیلگری (آنالیز) تصاویری صرفاً تزئینی و گاه بی‌ربط، نه تنها به متن کتاب کمکی نمی‌کند که بخش‌هایی از صفحات را بیهوده پوشش می‌دهد. اصولاً بهتر است که این گونه عناصر با دقت انتخاب شوند.

در یک کلام، چشم‌پوشی از حقایق درست تاریخی - هنری، به بهانه انتزاعی کردن موضوع تصویری کتاب، خدمتی به مخاطب نخواهد بود.



۱۲۱

یکی از دلایلی که نوجوان مخاطب یک کتاب به تصاویر آن اهمیت نمی‌دهد، برداشت ناقص یا غلط دیدن موضوع در هنگام تصویرگری است

پ. شمار تصویرها

حتی اگر در تمام ۱۵۸ صفحه متن کتاب حاضر، ۸ تصویر درست با الهام از پیرنگ داستان داشته باشیم، برای آن کافی است. در بقیه صفحات کتاب می‌توان از نقشامیه‌ها (موتیف‌ها)ی کوچک و تصویرک‌هایی که از خود ۸ تصویر گرفته شده است، به گونه‌ای هنرمندانه بهره گرفت. با بهره‌گیری از ساختار هنر ایرانی - ساختاری به گونه‌ای متفاوت از گستره امپراتوری روم باستان - می‌توان مقدمه تصویری کتاب را آفرید و با نقشامیه‌های کاملاً ایرانی فضا را دلنشین کرد و خشکی، بی‌روحی و خشونت تصویری موجود را از آن گرفت.

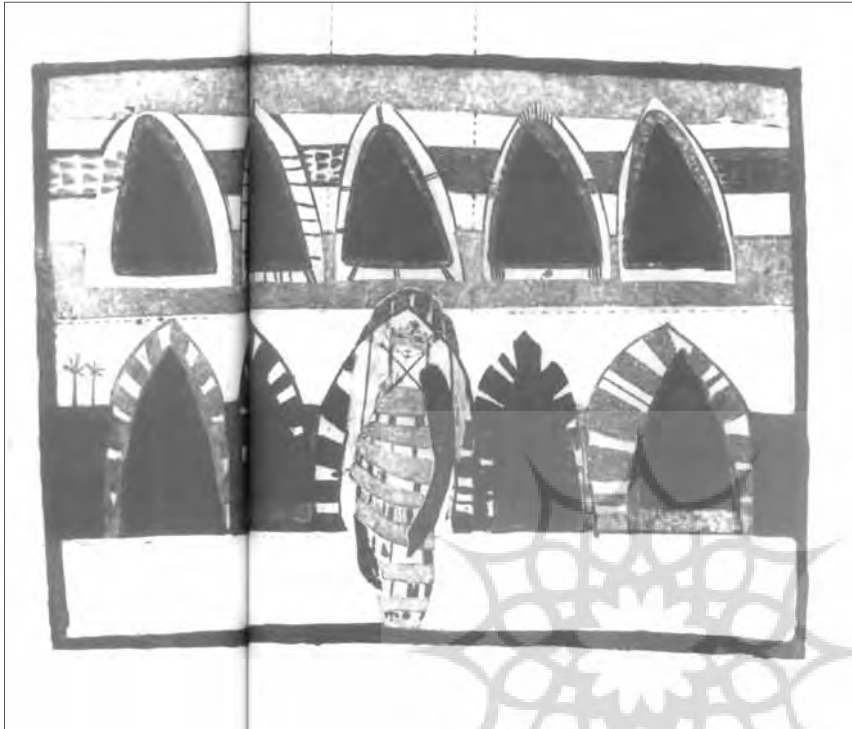
ت. رنگ

گفتیم که زندگی‌نامه‌ها زیرمجموعه تاریخ‌اند؛ تاریخ، علم است و کتاب‌های علمی باید دارای تصاویر واقع‌گرا و آموزنده باشند. کتاب‌های تصویری زندگی‌نامه افراد بزرگ برای گروه سنی نوجوان، باید گرایشی به سوی آموزشی بدیع

و تازه — تقویت‌کننده متن و افزون بر متن — نیز داشته باشد. مقصود نوعی تلفیق هنر تصویری با داستان‌گویی است تا مخاطب را که نوجوان باشد، به کشف دنیاهای نادیده و ناشناخته تاریخی، در قالبی فراتر و بدیع‌تر از روزن دید وی ببرد. با تصویر می‌توان به مخاطب نوجوان کمک کرد که در گذار از تصاویر و همسفری با تصاویر، حداقل همان اندازه برانگیخته شود و تمرکز کند که از سفر در متن نوشتاری تأثیر می‌پذیرد. نوجوان باید دریابد که داده‌های تصویری را اشتباه ندیده است. بنابراین باید بتواند به جست‌وجویی عمیق در ساختارهای تصویری بپردازد و بیاموزد که چگونه به

بسط تخیل تصویری خویش کمک کند و آن را توسعه دهد. به کارگیری رنگ‌های متنوع با مفاهیم متعدد آن در پیش‌زمینه‌های تاریک‌تر و روشن‌تر و پدید آوردن جلوه‌های بصری به وسیله رنگ و ایجاد نوعی پندار دیداری قطعاً برای نوجوان جالب و آموزنده است و وی را در مواجهه و چالش با رنگ‌ها و درک بیشترشان در ترکیب‌بندی‌های مدرن از موتیف‌های سنتی هر قوم و سرزمین یاری خواهد داد.

پس می‌توان و بسیار بهتر است که در کتابی با مخاطب نوجوان، بنا به اهمیت موضوع، از عنصر رنگ نیز بهره گرفت، چرا که صحنه نمایش زندگی انسان‌های بزرگ، هرگز بدون رنگ نبوده است و نخواهد بود. بنابراین، این توصیه که تصویرهای کتاب نوجوان، لزوماً باید سیاه و سفید یا تک‌رنگ باشند، قابل بحث است؛ به‌ویژه این که در تضاد با اصل واقع‌گرایی تصاویر کتاب‌های علمی قرار دارد.



ث. تصاویر مستند

می‌شد بدون بهره‌گیری از تصاویری پرداخته

ذهن، با استفاده از تصاویر مستند از تمدن‌های گذشته نیز به تصویرگری کتاب پرداخت آن هم به گونه‌ای واقع‌گرایانه و به دور از مفاهیم ذهنی که این نوع (مستندگویی) هم خود دروازه‌های روشن‌تری را پیش روی نوجوان قرار می‌دهد، گرچه ممکن است به دلیل فقدان برخی از عناصر مورد نیاز، اندکی از فضای داستان فاصله بگیرد.

ج. عناصر زیباشناختی

بسیاری از اصول زیباشناختی، در تصویرگری چنین اثری مراعات نشده است. انسان‌ها، مکان‌ها و اشیاء در این کتاب زیبا نیستند. دیدن تصاویر و هجوم آن‌ها به ذهن و دید مخاطب، در هنگام گشایش هر دو صفحه روبه‌روی کتاب، وی را به دیدن تصاویر دیگر ترغیب نمی‌کند و پرسش درباره منشأ و اصالت نمادهای به‌کارگرفته شده را در او بر نمی‌انگیزد.

چ. مخاطب‌شناسی

مخاطب نوجوان در این کتاب، بدون آن که حتی سلمان را بشناسد، باید با دیدن تصاویر برجسته و ترکیباتی بدیع، برای شناخت وی به درون کتاب فراخوانده شود. اما نه تنها با دیدن تصاویر، چنین چیزی نمی‌یابد، بلکه با ابهام‌های بصری متعددی روبه‌روست و سرگردان میان تصاویر پر از ابهام رها می‌شود. برای نمونه:

— جلد و ص ۱۳۸: تصویری شبیه مومیایی درون طاقی‌ها با دستان بسته و در جلو آویخته قرار گرفته‌اند.

— ص ۷ (صفحه عنوان داخل): ماهی حجیمی روی سر سه انسان قرار گرفته است. (هر چند نماد ماهی پر

از مفاهیم گسترده خویش است و در نمادهای ساسانی هم مشاهده شده است، این به‌کارگیری ابهام‌آمیز،

پرسی بی‌پاسخ فراروی مخاطب قرار خواهد داد.)

— ص ۱۳ و صفحاتی دیگر: طاقی‌هایی کج و کوله که تداعی نوع طاقی اندلسی را در ذهن متبادر می‌کنند.

— ص ۴۰: کاروان، پشت به مقصد (خلاف جهت حرکت متن در کتاب) در حرکت است.

طاقی‌های موجود

در این کتاب،

هویتی ناشناخته

دارند و نوعی

القای بی‌هویتی

حتی نسبت به

شخصیت داستان

به مخاطب می‌کنند.

در حالی که

طاقی عصر

ساسانی،

در نزد جهانیان

کاملاً شناخته

شده است

- صص ۱۲۱ و ۱۲۲: تنه زن خریدار برده که داستانی آویخته و بسیار بلند دارد، نواریچ شده است؛ با آن که او انسانی صاحب مقام و ثروت و دارای نفوذ است.

- صص ۱۳۱ و ۱۳۳: بیرون زدن دو نخل کوچک از یک طرف صورت تیره و سیاه سلمان (!؟).

- نماد درخت در همه جای کتاب، نخل است!

- تصاویر سلمان و دیگر انسان‌های الهی متناسب با توصیف آن‌ها در کتاب نیست.

قطع کتاب

قطع تقریباً خستی کتاب برای گروه سنی نوجوان مناسب نیست. این قطع عموماً برای کتاب‌های کودکان استفاده می‌شود و به تصویرگر، امکان گنجانیدن تصاویر دو صفحه روبه‌روی هم را می‌دهد تا از این رهگذر، بدون نیاز به متن و از طریق تصویر با کودک حرف بزند. حال آن که این قطع در میان کتاب‌های نوجوان، خارج از استاندارد به نظر می‌رسد و وی را در حمل آن هنگام مطالعه در اوقات فراغت، بین ساعتی که فراغتی از کلاس می‌یابد، در اتوبوس یا برای نهادن در جیب، کمکی نمی‌کند. به عبارت ساده‌تر، دست‌وپاگیر است و وی را قفلک خواهد داد. بهتر است عرف را در این گونه مسائل هم در نظر بگیریم و به عادت‌های مستمر جدیدی که نوجوان در به دست گرفتن کتاب یافته است و در فرصت‌های هر چند کوچک برای کشف‌های جدیدش به کتاب پناه می‌برد، یاری کنیم.

نقدی به متن

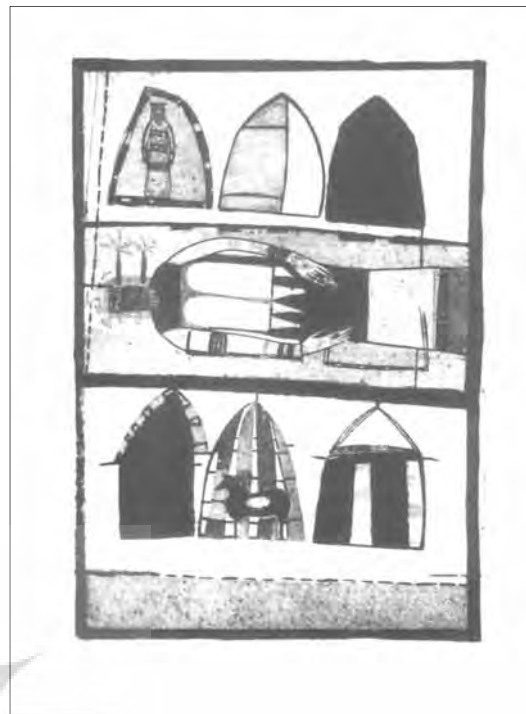
این مقاله، به قصد نقد متن این کتاب نوشته نشده است، اما جا دارد به نکته‌ای کلی درباره کتاب حاضر اشاره شود:

زندگی‌نامه افرادی که در جست‌وجوی کمال‌اند و برای رهایی انسان‌های دربند تلاش می‌کنند، انگیزه رسیدن به تعالی اجتماعی و سیاسی را در نوجوان پدید می‌آورد، به او هویت می‌بخشد، امکان زیست در شرایط برتر و حس مسئولیت اخلاقی نسبت به دیگران را در او تقویت می‌کند و رشد می‌دهد و وی را از بی‌تفاوتی دور می‌سازد و به تعریف زندگی می‌رساند. این نوع الگوهای اجتماعی نقش‌دهنده تاریخ، متفاوتند از افرادی که تنها در گوشه عزلت، به تزکیه نفس می‌پردازند.

زندگی‌نامه‌هایی از این دست، باید ابزاری برای آموزش مذهبی، سیاسی و اجتماعی باشند. بدون پرداختن به اوضاع و شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران آن روز، جدا شدن روزه از خانواده و سفر وی پرسش‌انگیز است و نیاز به پاسخ دارد. در غیر این صورت، الگو قرار دادن قهرمان داستان، مایه بدآموزی است و کاری پسندیده نخواهد بود. فراموش نکنیم که اهمیت و فایده پرداختن به زندگی‌نامه‌های داستانی تاریخی، در آن‌جا آشکار می‌شود که زوایای تاریکی در آن نباشد.

این زندگی‌نامه به جست‌وجو و بیان وضعیت اجتماعی - سیاسی در حال انفجار عصر روزه نمی‌پردازد و تنها، به شکل مبهم، به آمدن کسی اشاره می‌کند که پیام‌آور رهایی است. اما اشاره نمی‌کند که ظهور دینی رهایی‌بخش در عربستان، چه ارتباطی با ایران دارد و این که کلیت منطقه در چه شرایطی است. همه این‌ها نیاز به تأملی هر چند کوچک در نگارش داستان داشته است. فراموش نکنیم که در پایان هر عصر در حال انفجار، جامعه جهانی نیازمند یک نجات‌دهنده است. این انتظار در طول تاریخ، از سویی با آمدن انبیا به پایان رسیده است و از سوی دیگر با انحراف در دین انبیا و ناکام

ماندن دعوت انبیا در اصلاح جهان، به انتظاری دیگر پیوسته است. در این میان سلمان به شهادت تاریخ، هم نمونه یک جست‌وجوگر پیامبر موعود است، هم هوادار و پشتیبان حق در مبارزه با انحراف دین و هم یکی از منتظران آخرین موعود؛ اما منتظری که به جای قهر کردن و خانه نشستن و کناره گرفتن و ناله‌های به اصطلاح روشنفکرانه سر دادن، می‌کوشد از هر فرصتی برای اصلاح جامعه و خدمتی هر چند کوتاه و گذرا به مردم بهره گیرد حتی اگر این فرصت، پذیرش حکم فرمانداری با اختیاراتی کامل از سوی حکومتی باشد که او از منتقدان آن به شمار می‌آید.



۱۳۱



۱۳۳